

فصلنامه علمی

واکاوی منحصص مفصل قاعده اقرار

سید محمد حسینی دره صوفی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

کتاب ادبیات عرب از منظر اهل بیت (ع) و بسترسازی یک تحول در ادبیات آیینی
سید صالح صدر

اصول مدیریت زمان در منابع دینی

سید محمود محسنی (دانشجوی کارشناسی کلام اسلامی)

اعتبار سوگند استظهاری در اثبات دعوی در فقه و حقوق

سید جواد بلخی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی

دکتر عبدالله گوهری طالع (دکتری فقه تربیتی)

بازدارندگی قدرت در سیاست خارجی دولت اسلامی

غلام سخی رحمانی (دانش پژوه دکتری قرآن و علوم سیاسی)

تخصیص یا تخصص بودن مستثنیات قاعده بینه

سید علی اصغر یعقوبی (دانشجوی دکتری فقه و حقوق قضایی)

غدیر، آغاز مسئولیت بزرگ مرد آسمانی

سید محمد رضا علوی

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی

عبدالله گوهری طالع^۱

چکیده

خانواده به عنوان واحد کوچکی از اجتماع در توسعه و رشد اقتصادی جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. در نتیجه میزان، چگونگی و شیوه مصرف و پس‌انداز خانواده در مدیریت اقتصادی خانواده و در عملکرد و چرخه‌های اقتصاد کشور تأثیر به‌سزایی دارد. مصرف علاوه بر آن که به عنوان هدف تولید و توزیع در اقتصاد خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد، هرگونه تغییر در آن، می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر دیگر متغیرهای کلان اقتصادی، از جمله پس‌انداز و سرمایه‌گذاری کشور داشته باشد. مؤلفه‌های اصلی مصرف که عبارتند از سطح مصرف، ترکیب کالاهای مصرفی و چگونگی مصرف، در بستر فرهنگ و اقتصاد خانواده شکل می‌گیرد. زیرا خانواده اولین پایگاه تربیت و پرورش منابع انسانی است و از آنجا که فرهنگ مصرفی در خانوارهای کشور ما با اسراف و تبذیر همراه است، اصلاح الگوی مصرف در اقتصاد خانواده به دلیل فاصله آن با الگوی مصرف مطلوب اقتصاد اسلامی و اقتصاد مقاومتی و ناهمگونی آن با الزام‌های الگوی مصرف مورد نظر جامعه اسلامی، ضرورتی‌گریز ناپذیر است. در این پژوهش در پی اثبات این فرضیه هستیم که بین الگوی مصرف و پس‌انداز در اقتصاد خانواده و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد.

کلمات کلیدی:

خانواده، اقتصاد خانواده، مدیریت اقتصادی خانواده، اقتصاد مقاومتی، مصرف بهینه، پس‌انداز.

۱. دکترای فقه تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه قم.

مقدمه

پژوهش‌های اقتصادی پژوهش‌گران مسلمان به خوبی بیان‌گر این حقیقت است که اسلام از پتانسیل بالایی در رابطه با تشریح احکام و قوانین اقتصادی در رابطه با مصرف بهینه، که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی است، برخوردار است.

«میراث بزرگی از حکمت‌ها و آیه‌های قرآنی است که میانه‌روی و عقلانی بودن در مصرف را ستوده و اسراف، تقلید از دیگران و مصرف بیهوده را نکوهش کرده است» (قحف، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷)

امروزه برخی از صاحب نظران در مسائل اقتصادی و اجتماعی جهان، همچون شوماخر، بر این باورند که تنها از طریق تقویت باورهای ایمانی است که می‌توان جلوی مصرف بیش از حد را گرفت.

«فوری‌ترین نیاز زمان ما لزوم بازساخت ماوراءالطبیعه است و خواهد بود و باید عالی‌ترین کوششمان را در راه روشن ساختن ایمان عمیقمان درباره مسأله «انسان چیست؟»، «از کجا آمده است؟» و «هدف زندگی چیست؟» به کار بریم» (ریف کین، ۱۳۷۴، ص ۲۴۸)

در راستای اهمیت همین تغییر نگاه به مصرف و پرهیز از مصرف‌گرایی است که نویسنده کتاب نگاهی نوبه توسعه می‌نویسد:

نظام ارزشی جدید نباید اکثریت مردم دنیا را به احساس شرم درباره عادات مصرفی معتدل خود وادار نماید، بلکه باید در جهتی حرکت کند که ثروتمندان ننگ و پستی عادات مصرفی خود و وحشی‌گری مضاعف استفاده از دیگران برای نیل به این عادات مصرفی را به چشم بینند.» (زاکس، ۱۳۷۷، ص ۶۳)

در نظریه‌های اقتصادی نقش خانوار، هم به عنوان مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات و هم به عنوان تولیدکنندگان کالا و خدمات بسیار حائز اهمیت است. اقتصاد خانواده که در واقع به معنای چگونگی ساماندهی و مدیریت منابع خانه است، نقش مهمی را در اقتصاد کشورها ایفا می‌کند.

بر این اساس، خانواده سازمانی است که در تولید، توزیع و نیز مصرف کالاها نقش به‌سزایی دارد و هر یک از اعضای خانواده نقش مهمی در ساماندهی و مدیریت «تیم اقتصادی خانواده» را به عهده دارند.

فرض ما این است که بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در اقتصاد خانواده و ترسیم

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۶۵

درست در برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح رفتار اقتصادی آن از دو جهت حائز اهمیت است. از یک سو، می‌تواند در توسعه و تقویت اقتصاد خانواده نقش مؤثری ایفا نماید، و از دیگر سو می‌تواند یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی، یعنی مصرف بهینه است را شکل دهد.

ضرورت مسأله

اهمیت اقتصاد خانواده و مدیریت آن و اقتصاد مقاومتی از آن‌جا ناشی می‌شود که تلاش دشمنان انقلاب اسلامی برای متوقف کردن روند پیشرفت انقلاب در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری بر عرصه اقتصاد تمرکز یافته است. این در حالی است که وضعیت فعلی اقتصادی کشور با اقتصاد مقاومتی فاصله نسبتاً زیادی دارد. شاهد بر این ادعا، در بخش مصرف خانوار، وجود اسراف و تبذیر در بازار مصرف، حاکمیت فرهنگ مصرف‌گرایی، تمایل به ترجیح مصرف کالای خارجی، بر کالاهای تولید داخلی است. در بخش پس‌انداز، به جای استفاده از پس‌اندازها در سرمایه‌گذاری در بخش تولید و ایجاد اشتغال، پس‌اندازها نیز صرف خرید کالاهای بادوام، که در واقع یک نوع کنز مازاد درآمد در قالب خرید کالاهای بادوام است صورت گرفته، و یا وارد بازار سفته‌بازی می‌شود.

فرضیه پژوهش

فرضیه‌ای که در این مقاله در پی اثبات آن هستیم این است که بین اقتصاد خانواده و اقتصاد مقاومتی رابطه معناداری وجود دارد. براین اساس مدیریت صحیح مصرف و پس‌انداز در اقتصاد خانواده، بستری مناسب را برای اقتصاد مقاومتی فراهم می‌سازد.

تعاریف و مفاهیم

واژه خانواده

«خانواده» گروه کوچکی است که حد فاصل بین فرد و جامعه قرار گرفته است (ساروخانی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶)
خانواده در آموزه‌های اسلامی نیز به عنوان یک واحد اجتماعی در نظر گرفته

شده و مسؤولیت افراد در قبال خانواده در جنبه‌های اقتصادی و تربیتی در قرآن و روایات معصومین (از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که در سوره مبارکه فرقان، قرآن آن جایی که به توصیف و تمجید عبادالرحمن می‌پردازد؛ یکی از ویژگی‌های ممتاز آنان را توجه به اعضای خانواده و تقاضای داشتن بهترین افراد خانواده و دعای در حق آنان بیان می‌کند (وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ (فرقان/۷۴))

نکته مشترکی که هنوز در اکثر تعاریف مربوط به خانواده در نظر گرفته می‌شود این است که خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که ثبات جامعه وابسته به ثبات و استحکام آن است و ارتباطات سالم و مناسب در جامعه براساس مناسبات متعادل و متوازن در خانواده به وجود می‌آید.

مفهوم اقتصاد خانواده

اگر موضوع علم اقتصاد را بررسی رفتارهای انسان در جریان عادی زندگی، یعنی کسب درآمد و بهره‌برداری از آن برای جریان زندگی بدانیم (مارشال، ۱۳۴۰، ص ۲۰) می‌توان گفت که اقتصاد خانواده علم تدبیر منزل، اداره منابع مالی خانواده، و برقراری تعادل بین درآمد و هزینه در خانواده است.

بنابراین، منظور ما از اقتصاد خانواده، عبارت است از تخصیص بهینه منابع محدود قابل دسترس به نیازهای خانواده به دور از اسراف و تبذیر.

در این تعریف منظور از «منابع» همان مبادی و راه‌های درآمدی خانواده است که به طور طبیعی محدود، اما قابل حصول است؛ و نیازها همان مسائل متعددی است که بقا و شالوده خانواده به ارضای آنها بستگی دارد، و به طور کلی شامل نیازهای اولیه و ثانویه خانواده می‌باشد. سرپرست خانواده با در نظر گرفتن درآمد محدود و وجود نیازهای اساسی باید بهترین ترکیب را در میزان هزینه‌ها به وجود آورد و از درآمد حاصل، بهره‌برداری بهینه کند.

خانواده اساسی‌ترین عامل تولید و مصرف کالاها و خدمات در جامعه است که مهمترین مسؤولیت آن بقای نسل می‌باشد و واضح است که برای رسیدن به این هدف مهم، خانواده نیازمند تکاپوی اقتصادی است. براین اساس اقتصاددانان خانواده را بنیان زندگی اقتصادی جوامع می‌دانند. برای رسیدن به اقتصاد سالم در خانواده همکاری اعضای آن لازم و ضروری است که در این میان نقش مادر با توجه به مسؤولیت مادری و همسری اش مهمتر است. اسراف و مخارج فرعی و

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۶۷

غیر ضروری نه فقط سطح بهره‌وری اعضای خانواده را کاهش می‌دهد، بلکه به صورت فرهنگ و عاداتی نامطلوب به نسل‌های آینده منتقل می‌شود. مادر می‌تواند با مهیا کردن شرایط مناسب و مدیریت صحیح در خانواده رفاه و آسایش اعضای خانواده را به حداکثر برساند تا تمامی افراد خانواده با عزت نفس و بهداشت روانی و جسمی بالا سرمایه انسانی خود را برای دست‌یابی به اهدافشان و کسب رضای خداوند به‌کار گیرند و در آینده نیز افراد مفیدی برای جامعه باشند. درآمد بیشتر خانواده‌ها محدود است و مخارج خانوار از محل این درآمدها پرداخت می‌شود. افراد برای ادامه زندگی به کالاهای متنوعی نیاز دارند و بیشتر درآمد آنها به مصرف کالاهایی مثل غذا، پوشاک، مسکن و ... می‌رسد. واضح است که نیازهای افراد فراوان است، اما چون درآمد محدود می‌باشد، مقدار محدودی از نیازها برآورده می‌شود و برخی بی‌پاسخ می‌ماند. اولین سوال در اداره امور اقتصادی خانواده این است که این درآمد را باید چگونه و با چه اولویتی به مصرف انواع کالاها و خدمات اختصاص داد؟ (اقتصاد مقاومتی در عرصه خانواده ص ۹۷) هنر اقتصاد یعنی، چگونگی تشخیص منابع محدود در دسترس، برای تامین نیازهای محدود انسان. مدیریت منابع مالی خانواده از مهمترین وظایفی است که تدبیر همه اعضا شکل می‌گیرد. اگر تدابیر اصولی و صحیحی اندیشه شود اعضای خانواده می‌توانند از کم‌ترین امکانات بیشترین استفاده و بهره‌برداری را داشته باشند. اعضای خانواده باید بتواند مسائل مربوط به هزینه‌های خویش را تحلیل و چگونگی مصرف خود را بر پایه منافع ملی و منابع مادی و معنوی خود تعیین کنند. (همان ص ۹۸)

مدیریت اقتصادی خانواده

در شرایط عادی باید بر اساس میزان درآمدهای اعضای خانواده و هزینه‌ها تنظیم شود. همانطور که در خانواده، والدین باید مدیریت عاطفی، روانی و اجتماعی داشته باشند، در هزینه کردن و ایجاد تعادل بین دخل و خرج نیز نیاز به مدیریت است. هر خانواده به‌نگاه اقتصادی کوچکی تعبیر می‌شود که نیازمند مدیریت منابع است. صرفه‌جویی، قناعت و پرهیز از تجمل‌گرایی و چشم‌هم‌چشمی از ملزومات اجرای مدیریت اقتصادی خانواده و تضمین‌کننده موفقیت آن است. از این رو، اگر اهمیت و نقش اعضای خانواده در اقتصاد خانه تعیین شود، رمز این موفقیت بیشتر خواهد بود.

از آنجا که اقتصاد خانواده در تنظیم نمودار رشد و توسعه اقتصادی جامعه و برنامه های کلان بخش های مختلف دولتی و خصوصی تاثیر بسزایی دارد، می توان گفت خانواده نقش کلیدی در استفاده بهینه از منابعی مثل زمان، پول، درآمد و ... دارند (همان، ص ۹۹)

مدیریت اقتصادی خانواده دو جنبه دارد؛ مدیریت درآمد از طریق کسب روزی حلال و مدیریت هزینه ها با دستیابی به الگوی صحیح مصرف. تلاش برای دستیابی به منابع اقتصادی در صورتی که با اصول صحیح همراه باشد اقتصاد خانواده را سالم و پایدار می نماید. برای مثال اگر فرزندان منبع درآمد خانواده را نشناسند؛ فقط به رفع نیازمندی های خود عادت می کنند و به خواسته های سایر اعضای خانواده بی اعتنا میمانند و طی زمانی کوتاهی به مصرف کنندگان حریصی تبدیل می شوند که در آینده، هم برای خود و هم برای جامعه زیان های جبران ناپذیر به بار خواهند آورد. (همان، ص ۱۰۵)

همچنین اگر والدین به ویژه مادران، فقط در اندیشه رفع نیازهای فرزندان باشند در حالی که به ضروری ترین نیازهای خود توجه ندارند، ناآگاهانه توقعات فرزندان را بالا می برند. این سبب می شود فرزندان از نیازهای والدین بی اطلاع مانده و فقط راه ارضای امیال خود را بشناسند. بر این اساس، شایسته است همواره در مدیریت اقتصادی خانواده جایگاه مناسبی برای آموزش و ارتقای سطح آگاهی و آمادگی فرزندان برای مواجهه با مسائل مالی و اقتصادی در نظر گرفته شود.

آنچه باعث حفظ و رونق اقتصاد خانواده ها و به دنبال آن اقتصاد کشورها می شود، آموختن این مطلب است که چگونه با کسانی که به آنها علاقه و ارتباط عاطفی داریم، ارتباطات و مناسبات صحیح مالی و اقتصادی برقرار کنیم. (همان)

راهکارهای مدیریت مصرف بهینه و صحیح در اقتصاد خانواده

رعایت الگوی مصرف صحیح نان؛ طبق آمار، کشور ما از جمله کشورهایی است که بیشترین میزان دورریز نان را به خود اختصاص داده است. در بررسی علل این پدیده ممکن است به دلایل و توجیهاتی همچون بی کیفیت بودن نان در ایران پناه ببریم. اگر چه انکار این حقیقت نادرست و شاید روی آوردن به تولید نان صنعتی خود شاهدهی بر این مدعا باشد. اما یکی از پررنگترین عوامل دور ریز نان، فرهنگ استفاده نادرست از این برکت الهی در سفره های ایرانی است. خانواده ها می توانند با بررسی میزان نان مورد نیاز خود سعی در تهیه نان

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۶۹

تازه کنند چرا که مصرف نان غیر تازه احتمال دور ریز را بیشتر می کند. چنانچه امکان تهیه نان تازه برای هر وعده مصرف فراهم نباشد باید با به کارگیری شیوه های نگهداری نان، احتمال دور ریز در وعده های بعدی را به حداقل رساند. فراتر از تمامی این موارد متأسفانه در بسیاری از خانواده ها جدا کردن دور نان و مصرف وسط آن به صورت عادت در آمده که این عمل بسیار ناپسندیده طور گسترده در جامعه ما خودنمایی می کند. راه حل این مشکل جز در اصلاح رفتار رو آموزش از طریق خانواده امکان پذیر نیست. (همان، ص ۱۱۱)

رعایت الگوی مصرف صحیح آب؛ زندگی تمامی مخلوقات وابسته به این ماده به ظاهر ساده است. آب یکی از اصلی ترین مواد متشکله بدن انسان ها، حیوانات و گیاهان به شمار می رود. استفاده اساسی از آب شامل مصارف کشاورزی، صنعتی و شهری روز به روز در حال افزایش است. با توجه به روند روبه افزایش مصرف آب و کمبودهای ناشی از عدم بارش و به تعبیری خشکسالی، در صورت عدم رعایت الگوی مصرف بهینه آب، مردم ایران مخصوصاً اهالی مناطق مرکزی و خشک کشور درگیر مشکلات زیادی خواهند شد. رفتار آکاهانه و متعهدانه می تواند به ما کمک کند در سال های آتی جزء کشورهای بحران زده نباشیم (همان) ۴۰ درصد مردم دنیا از آب سالم محروم اند و روزانه بیش از ۳۰ هزار نفر در جهان به علت کمبود آب بهداشتی و سالم جان خود را از دست می دهند. صرفه جویی در مصرف آب در قرن حاضر فراتر از یک نیاز اجتماعی و ملی است (همان، ص ۱۱۲)

رعایت الگوی مصرف صحیح برق؛ زنان به علت حضور بیشتر در منزل حتی بر نحوه استفاده از نیروی برق نیز می توانند کنترل داشته باشند، به طوری که در ساعت اوج مصرف برق از روشن کردن وسایل برقی و لامپ ها خودداری کنند، اصلاح الگوی مصرف نه تنها در استفاده از نیروی برق بلکه باید در تمام نیازهای مصرفی مانند تلفن، گاز باشد.

رفتار مصرفی ما کاملاً غیر متعارف و غیر عقلانی است؛ رفتار مصرفی ما حاکی از آن است که ما شش برابر متوسط جهانی بنزین، دو برابر متوسط جهانی آب، چهار برابر متوسط جهانی تلفن، سه برابر متوسط جهانی برق و سه برابر متوسط جهانی دارو مصرف می کنیم. سرانه مصرف سالیانه نان شش برابر سرانه مصرف جهانی و سرانه مصرف نوشابه چهار برابر جهانی و سرانه مصرف شکر در ایران شش برابر سرانه جهانی است. همچنین سرانه مصرف نمک در سال دو برابر جهان است. ایران در مصرف لوازم آرایش دومین کشور خاورمیانه و هفتمین

کشور دنیاست. هریک از زنان ایرانی استفاده کننده لوازم آرایشی سالانه ۱۵۰ دلار با دلار ۱۰۰۰۰ تومان ۱۵۰۰۰۰۰۰ تومان برای خرید لوازم آرایش هزینه می کنند. هزینه سالانه آرایش در ایران بیشتر از تمام درآمد سینمای هالیوود است. ما چهار برابر استاندارد جهانی میوه مصرف می کنیم و ۳۰ درصد بیشتر از میانگین جهانی روغن مصرف می کنیم و ۲/۶ برابر متوسط کشورهای صنعتی انرژی مصرف می کنیم.

سوال آیا این رفتار مصرفی با الگوی مصرف اسلامی سازگاری دارد. آیا این الگوی مصرف مصرف گرایانه خانواده ایرانی به اقتصاد مقاومتی کمک و مساعدت می کند.

عدم توازن در دخل و خرج اقتصاد خانواده؛ یکی دیگر از راهکارهای مفییت در اقتصاد خانواده توازن در دخل و خرج اقتصاد خانواده می باشد. موازنه دخل و خرج در بودجه خانواده اهمیت ویژه ای دارد. برخی از افراد به محض دریافت درآمد ماهیانه، بدون برنامه آن را خرج می کنند و این سبب کسری بودجه آنها در اواخر هر ماه و اقدام به گرفتن وام و قرض برای مصارف روزمره خود می کنند. برنامه ریزی برای خرج خانواده سبب می شود نه تنها خانواده با کمبود بودجه مواجه نشود بلکه مازاد یا اضافه درآمد نیز داشته باشد. تا بخشی از درآمد خانواده را پس انداز نماید. (همان، ص ۱۱۵)

مشاوره های اقتصادی نسبت به پس انداز خانواده؛ برخی از خانواده ها توان مدیریت اقتصادی نداشته و یا اینکه با مشکلاتی مواجه می شوند که به تنهایی از عهده حل آن بر نمی آیند. در این صورت یا به منابع اقتصاد خانواده مراجعه نمایند و یا به افراد امین جهت مشاوره اقتصادی مراجعه نمایند. (همان) مفهوم اقتصاد مقاومتی

مقام معظم رهبری در تعریف و تبیین معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی فرمودند: «... اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب پذیری اش کاهش پیدا کند...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)

تعاریف دیگری که صاحب نظران در رابطه با معنا و مفهوم اقتصاد مقاومتی بیان نموده اند به نوعی شرح و توضیح و تبیین کلام رهبری است. نمونه هایی از آن تعاریف بدین قرارند:

خوش چهره (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید بر مزیت های

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۷۱

تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. موسوی (۱۳۹۲): اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه‌های فشار در شرایط کنونی تحریم، و در پی آن تلاش برای کنترل و بی‌اثر کردن، و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعاً باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت‌های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. صادقی شاهدانی (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی یعنی این که مردم الگوی مصرف خود را تغییر دهند و از مصرف کالای خارجی به سمت مصرف کالای داخلی حرکت کنند.

جامی، ایمانی مقدم، تنها (۱۳۹۱): اقتصاد مقاومتی سیستمی است که در صدد است با محوریت توسعه منابع انسانی، انضباط و قانون‌مندی رشد و پایداری اقتصادی را برقرار سازد (جامی، ایمانی مقدم، تنها، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲) همه این تعاریف بازگشت به تعریفی است که مقام معظم رهبری از اقتصاد مقاومتی نمودند. تعریف مورد نظر ما نیز از اقتصاد مقاومتی همین تعریف رهبری است.

نقش اقتصاد خانواده بر اقتصاد مقاومتی

خانواده در موارد ذیل می‌تواند نقش آفرینی کند

تأثیرپذیری تمامی بخش‌ها از خانواده

از آنجا که خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماع، محل اصلی زندگی، مصرف، تربیت و سایر آموزش‌های انسان بوده و رفتار تمامی کارکنان و شاغلین متأثر از فرهنگ خانواده آنهاست (ر.ک: وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳)، اگر خانواده‌ها از جنبه فرهنگ و الگوهای رفتاری و طرز نگرش به امور اقتصادی پیشرفت کنند، می‌توان گفت فرهنگ کار و تولید، مصرف و پس‌انداز در کشور پیشرفت کرده است.

خانواده نیز با برخورداری از دو عامل مهم تولید، یعنی «سرمایه» و «نیروی انسانی»، یک واحد اقتصادی است. از این رو، خانواده بنگاه اقتصادی کوچکی تلقی شده که نیاز به مدیریت منابع دارد. از منظر دینی، صرفه جویی، قناعت و پرهیز از تحمل‌گرایی و چشم و هم چشمی لازمه اجرای مدیریت صحیح اقتصادی خانواده‌ها و تضمین‌کننده موفقیت آنان در بعد اقتصادی است.

اقتصاد مقاومتی

با توجه به تعریفی که از اقتصاد مقاومتی مورد پذیرش قرار گرفت، اقتصاد مقاومتی مجموعه‌ای از استراتژی‌هایی است که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)

در این استراتژی تمامی عوامل اقتصادی، اعم از دولت، تولیدکنندگان و خانوارها وظایفی را عهده‌دار می‌شوند که اجرای آنها نه تنها آسیب‌پذیری اقتصاد در شرایط تحریم را به صفر می‌رساند، بلکه باعث شکوفایی و رشد اقتصادی در شرایط مذکور نیز می‌شود. راهبردهای مردمی کردن اقتصاد، کاهش وابستگی به نفت، استفاده حداکثری از زمان، منابع و امکانات، حرکت براساس برنامه، وحدت و همبستگی، حمایت از تولید ملی و مدیریت منابع ارزی، راهبرد خاص دولت و مدیریت مصرف، راهبرد مشترک آحاد ملت و دولت است.

با بررسی تأکیدات رهبری در زمینه این راهبردها، می‌توان پی به اهمیت و وزن بالای راهبرد مدیریت مصرف در برابر سایر استراتژی‌ها برد. مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام، در زمینه مدیریت مصرف، به عنوان یکی از استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی، فرمودند:

مسأله مدیریت مصرف، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر. هم دستگاه‌های دولتی، هم دستگاه‌های غیردولتی، هم آحاد مردم و خانواده‌ها باید به این مسأله توجه کنند که این واقعاً جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملاحظه تعادل در مصرف، بدون شک در مقابل دشمن، یک حرکت جهادی است. انسان می‌تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل الله را دارد. یک بُعد دیگر این مسأله تعادل در مصرف و مدیریت مصرف، این است که ما از تولید داخلی استفاده کنیم؛ این را همه دستگاه‌های دولتی توجه داشته باشند. دستگاه‌های حاکمیتی، مربوط به قوای سه‌گانه - سعی کنند هیچ تولید غیرایرانی را مصرف نکنند؛ همت را بر این بگمارند. آحاد مردم هم مصرف تولید داخلی را بر مصرف کالاهایی با مارک‌های معروف خارجی - که بعضی فقط برای نام و نشان، برای پُز دادن، برای خودنمایی کردن، در زمینه‌های مختلف دنبال مارک‌های خارجی می‌روند - ترجیح بدهند. خود مردم راه مصرف کالاهای خارجی را ببندند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۶/۲)

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۷۳

اهمیت مصرف و وزن آن در اقتصاد به طور عام و در اقتصاد مقاومتی به گونه‌ای خاص به اندازه‌ای است که به تعبیر نویسنده کتاب اقتصاد ایران «اگر بخواهیم ساختار واردات و تولید خود را تغییر دهیم، راهی به جز تغییر الگوی مصرفی نداریم» (ابریشمی، ۱۳۷۵، ص ۲۶۴)

نقش اقتصاد خانواده در اقتصاد مقاومتی از دو جهت قابل بررسی است:

الف. از جهت مصرف

برنامه‌ریزی جهت مدیریت بهینه مصرف در کوتاه‌مدت می‌توان از دو طریق به اعمال مدیریت در مصرف خانوار پرداخت:

جذب پس‌اندازها

از جمله عوامل اصلی مصرف نامتعادل خانوار، فقدان مکانیسمی برای جذب پس‌اندازهای خُرد آنهاست. گروه‌های متوسط جامعه معمولاً سرمایه‌های خُردی در دست دارند که به واسطه عدم جذب در بازارهای مالی، در نهایت به مصرف مسافرت‌های پی‌درپی و پُرهزینه، تعویض‌های مکرر لوازم خانگی و خرید لوازم لوکس غیر ضروری منجر می‌شود. بنابراین اولین راهبرد کوتاه‌مدت در زمینه مدیریت مصرف خانواده، ایجاد مکانیسم جذب سرمایه‌های خُرد توسط بازار (به ویژه بازارهای مالی) است.

جهت‌دهی به مدگرایی

طریق دیگر را می‌توان در جهت‌دهی به مدگرایی در بین جوانان دانست، زیرا مسأله پیروی از مد در عصر کنونی، اگر قابل مهار نباشد، بی‌تردید قابل هدایت است. بی‌توجهی و عقب‌رفت نهادهای مبلغ سبک زندگی اسلامی، و حضور کم‌رنگ و یا بی‌رنگ آنها در این جا به خوبی خود را نمایان می‌سازد تا جایی که حتی برخی از کودکان و نوجوانان ما عکس قهرمانان داستان‌های چینی و ژاپنی را بر روی کیف مدرسه خود می‌پسندند (دروگر، ۱۳۹۳، ص ۷۱)

اگر تولیدکنندگان داخلی بتوانند با برندسازی، افزایش تنوع و کیفیت محصول وارد بازار مد شوند، نه تنها با استقبال خانواده‌ها، به رشد درآمد ملی کمک می‌کنند، بلکه وابستگی کنونی به واردات کالاهای مصرفی کاهش خواهد یافت. بهره‌گیری از الگوی مصرف اسلامی در بلندمدت مدیریت بهینه مصرف خانوار زمانی تحقق می‌یابد که الگوی مصرف فعلی خانواده به سمت «الگوی مصرف

اسلامی» حرکت کند و اصلاح شود. اهمیت وجود الگوی مصرف صحیح تا جایی است که از نظر علمی، اولین و مهم‌ترین قدم برای اصلاح نظام اقتصادی، اصلاح الگوی مصرف است؛ زیرا غایت تولید کالا و خدمات در یک کشور مصرف آنهاست. از این رو، حاکمیت مصرف‌کننده بر اقتصاد یک امر عقلایی است. بنابراین، اصلاح الگوی مصرف خانوار سر آغازی برای اصلاح تولید و به طور کلی، اصلاح نظام اقتصادی است (میرمعزی، ۱۳۸۸، مقدمه کتاب).
براین اساس، می‌توان اصلاح الگوی مبتنی بر الگوی مصرف اسلامی را راهبرد بلندمدت در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی دانست.

ب. از جهت پس انداز

رشد پس انداز در اقتصاد و تبدیل پس انداز به سرمایه‌گذاری در امر تولید و ایجاد اشتغال عامل کلیدی در مسیر توسعه اقتصادی است. آینده‌نگری نیز یکی از مهم‌ترین ارکان زندگی است که در بعد اقتصادی با پس انداز از درآمد امروز برای شرایط نامعلوم پیش‌رو تبلور می‌یابد. هر چند این امر در کشور ما با مفهوم پس انداز برای روز مبادا از گذشته وجود داشته است، ولی در چند دهه اخیر با گسترش پدیده شهرنشینی و در پی آن غلبه فرهنگ مصرف‌گرایی بر فرهنگ پس انداز، روز به روز کم‌رنگ تر شده است.

آنچه بیش از خود پس انداز اهمیت دارد، چگونگی این پس انداز است؛ چرا که تنها با پس انداز به شیوه مناسب است که این پس اندازها در قالب سرمایه می‌تواند در مسیر صحیح خود به کار گرفته شود و در غیر این صورت در شرایطی که شرایط مناسبی برای پس انداز و سرمایه‌گذاری تعریف نشده باشد، منابع مالی حاصل از این طرح به بازار مصرف سرازیر می‌شود که این امر حاصلی جز افزایش لجام‌گسیخته مصرف را در پی نخواهد داشت.

در پژوهشی که نویسنده کتاب سازمان‌های پولی و مالی در این رابطه انجام داده است. در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، مشکلات متعددی در راه جمع‌آوری و هدایت پس انداز به سمت سرمایه‌گذاری وجود دارد. به نظر این نویسنده، یکی از مهم‌ترین این مشکلات آن است که خانوارها پس اندازهای خود را در راه غیر تولیدی به کار می‌گیرند (محمودزاده، ۱۳۸۴، ص ۲۶)

نرخ تورم بالا

از مشکلاتی که در اقتصاد کشور مانع از رشد پس انداز و سرمایه‌گذاری شده

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۷۵

است، بالا بودن نرخ تورم است. در چنین شرایطی افراد ترجیح می‌دهند به جای آن که با سپرده‌گذاری در بانک، شاهد کاهش ارزش پول‌هایشان در مقابل تورم حاکم بر جامعه باشند، آن را صرف خرید کالا کنند (ر.ک: تقضلی، ۱۳۶۸، ص ۴۴۴)

در واقع برای مردم به تجربه ثابت شده که خرید زمین و طلا و فعالیت‌های مشابه آن در محیط تورمی منفعت بیشتری دارد، به طوری که اوراق بهادار با سودهای بالا نیز نمی‌تواند در چنین شرایطی به خوبی، سرمایه‌های کوچک را جذب کند.

عوامل مؤثر در تقویت پس انداز

راه‌هایی برای افزایش انگیزه پس انداز می‌توان در نظر گرفت که عبارتند از:

- تقویت فرصت‌های سرمایه‌گذاری خرد همراه با تبلیغ آثار مثبت آن در اقتصاد خانواده، همچون تقویت بازار بورس اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری در این بازار، که مهم‌ترین بخش بازار سرمایه کشور را شکل می‌دهد و به عنوان رکن اساسی بازار تشکیل سرمایه، جذب و هدایت نقدینگی سرگردان و پراکنده جامعه به مسیرهای بهینه است (علی پور، پدرام، بشیری دزفولی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳). البته توجه خانواده‌ها به این بازار نیاز به تبلیغ و فرهنگ سازی در درازمدت دارد.
- چرخه سرمایه‌گذاری در بسیاری از موارد طولانی و پرفراز و نشیب است. کوتاه کردن مسیر سرمایه‌گذاری و برداشتن موانع سرمایه‌گذاری می‌تواند عرضه سرمایه توسط خانوارها را تقویت نماید و نرخ مصرف غیرضروری را کاهش دهد. هر چه مشکلات سرمایه‌گذاری کاهش پیدا کند انگیزه سرمایه‌گذاری بالا و جذابیت آن بالاتر می‌رود و در عوض جذابیت مصرف غیر ضروری کاهش و در نتیجه این آثار را دربر- خواهد داشت (ابریشمی، ۱۳۷۵، ص ۳۳۱)

کاهش نرخ مصرف کالاهای غیرضروری؛

کاهش نرخ گردش مالی و سرمایه در فعالیت‌های دلالتی بازرگانی؛
افزایش صادرات به دلیل قبضه شدن مصرف در داخل و امکان صدور کالای بیشتر به خارج؛

کاهش فشار تورمی در بازار داخلی؛

رشد جذابیت سرمایه‌گذاری سبب رشد جذابیت پس انداز می‌شود.

- تقویت و توسعه تعاونی‌های تولیدی و تشویق افراد به مشارکت فعال در تعاونی‌ها

می‌تواند جاذبه خوبی در جذب پس اندازها و سرمایه‌های خردخانواده‌ها داشته باشد. مشارکت غیرفعال فقط می‌تواند از طریق جذب سرمایه خانوارها انجام شود (حداد پور، ۱۳۹۱)

قانون اساسی و سیاست‌های کلی اصل ۴۴، و تلاش برای رساندن سهم بخش تعاونی‌ها در اقتصاد به ۲۵ درصد، بستر مناسبی را برای این کار به وجود آورده است (قنبری، صادقی، ۱۳۸۶، ص ۵۰۹). اگر این اتفاق بیفتد کم‌ترین اثر مفید آن در اقتصاد، بالا بردن نرخ پس انداز خواهد بود. زیرا تسهیل کسب سود اولاً انگیزه کنونی ذخیره‌سازی و کنز مازاد درآمد، یعنی پس انداز را به شکل کالاهای بادوام کاهش، و ثانیاً از ولع بازار مصرف کاسته، در نتیجه انگیزه برای سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان را در اقتصاد افزایش خواهد داد (یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۳۸)

- توجه به اقتصاد خانواده و برنامه‌ریزی برای آینده آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا برنامه‌ریزی برای آینده زندگی در تمامی خانواده‌ها مطرح است. در بطن یک مدل سیستمی اقتصاد خانواده، خانواده و اقتصاد آن رانمی‌توان از هم مجزا کرد. بنابراین زمانی که برای هر یک از آنها برنامه‌ریزی می‌کنیم، ناگزیریم دیگری را نیز مد نظر قرار دهیم. توجه به نیازهای آتی خانواده و همچنین شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای اقتصاد خانواده در این راستا اهمیت دارد. در آموزه‌های دینی از این مسأله به عنوان «تقدیر معیشت» نام برده می‌شود که در واقع نوعی تنظیم مصرف با درآمد و پرورش روح انضباط مالی و نظم اقتصادی و لزوم پس انداز و آینده‌نگری است. اهمیت این مطلب تا جایی است که از آن در بیان امام باقر (به عنوان یکی از سه ارکان کمالات دانسته شده است.

«الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّقْوَةُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَالتَّقْدِيرُ الْمَعِيشَةَ» (کلینی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۸، ص ۱۷۲)؛ کمال و بلکه همه کمال انسانی در سه چیز است: دانا بودن در دین و احکام آن، شکیبا بودن در ناراحتی‌ها و مصائب و برنامه‌ریزی درست در اقتصاد زندگی.

- برنامه‌ریزی جهت انجام مشاوره‌های اقتصادی خانواده، زیرا برخی از خانواده‌ها در مدیریت اقتصادی خود از توان لازم برخوردار نیستند و یا این که با مسائل و مشکلاتی مواجه می‌شوند که به تهائی از عهده انجام آن بر نمی‌آیند.

- افزایش سطح دانش اقتصادی خانواده، ابتدایی‌ترین مرجع برای افزایش سطح دانش و آگاهی و به روزماندن، کتاب‌ها و نشریات است. ارائه آموزش‌های لازم به فرزندان و ارتقاء سطح عمومی دانش اقتصادی خانواده می‌تواند زمینه خوبی

برای تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی باشد.

- توجه به آموزه‌های دینی و قوانین مذهبی، ترویج مسائل اقتصاد اسلامی در خانواده می‌تواند علاوه بر تقویت اقتصاد خانواده و قوام بخشیدن به آن، منافع اخروی هم در پی داشته باشد، زیرا دقت در احکام و دستوره‌های اسلامی انسان مسلمان را به چنین باوری می‌رساند که رویکرد اسلام در بحث منافع فردی و منافع اجتماعی - با همه اهمیتی که برای هر دو قائل است - آنجایی که بین آن دو قابل جمع نیست دعوت به ایثار و گذشتن از منافع فردی و توجه به منافع اجتماعی است. بدین معنا که اگر انسان در جایی به انتخاب بین منافع فردی و جامعه مخیر باشد، در صورتی که منافع جامعه را مقدم بدارد به عمل و انتخاب وی پاداش اخروی تعلق می‌گیرد. از این افراد در کلام علی (این گونه تمجید و تحسین شده است:

«إِنَّ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ عِبَادًا يَخْتَصُّهُمْ بِالنَّعْمِ لِمَنْفَعِ الْعِبَادِ يُقَرُّهَا فِي أَيْدِيهِمْ مَا بَدَلُوهَا فإِذَا مَنَعُوهَا نَزَعَهَا مِنْهُمْ وَحَوَّلَهَا إِلَى غَيْرِهِمْ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۹۳)؛ به راستی که خداوند سبحان را بندگانی است که نعمت‌های خود را، برای منافع دیگر بندگانش، به آنها اختصاص داده است، و مادام که آنها در کار بدل و بخشش از آن نعمت هستند این نعمت‌ها در دست آنان باقی است.

در پژوهشی که عزتی و شفیعی (۱۳۹۱) در رابطه با «برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران» انجام داده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه مذهبی بر اقتصاد جامعه تأثیر به‌سزایی دارد (عزتی و شفیعی، ۱۳۹۱، ص ۸۲) بر مبنای این پژوهش وجود سرمایه مذهبی در خانواده‌ها می‌تواند علاوه بر تأثیر در اصلاح الگوی مصرف، نقش مؤثری در پس‌انداز جهت تقویت قرض‌الحسنه و نیز سرمایه‌گذاری به‌انگیزه سود را در جامعه رونق بخشد (میرمعزی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۳۹)

در راستای عمل به آموزه‌های اقتصادی اسلام در جامعه و خانواده‌های مسلمان است که برخی مانند نویسنده کتاب درآمدی بر اقتصاد اسلامی و نیز نویسنده سیاست‌های اقتصادی در اسلام تا جایی پیش رفته‌اند که معتقدند اسلام به مصرف و اصلاح الگوی آن به گونه‌ای توجه کرده و مکانیزم آن را به نوعی طراحی نموده است که رکود و تورم به همراه نخواهد داشت؛ زیرا در صورت فراوانی کالاها و افزایش تولید با توجه به تشویق اسلام به گشایش در زندگی و استفاده از نعمت‌های الهی، فراوانی کالا سبب بیش از حد پایین آمدن قیمت‌ها نخواهد

شد؛ و در حالت عکس آن که تولید به هر علتی کاهش یابد و گرانی ناشی از کمی کالا بر جامعه حاکم باشد، با توجه به سفارش اسلام به قناعت و زهد و رعایت حال دیگران، کمبود کالا سبب تورم نخواهد شد (ر.ک: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۴۱۱؛ فراهانی فرد، ۱۳۸۱، صص ۱۱۹-۱۲۰)

نتیجه‌گیری

جایگاه خانواده‌ها در اقتصاد مقاومتی، که موضوع مورد بحث این نوشتار را شکل داده است، به مسأله مدیریت بهینه مصرف و اصلاح الگوی آن، و اهمیت دادن به پس‌انداز در خانواده، به عنوان دو راهبرد بلندمدت در اقتصاد مقاومتی پرداخته است؛ زیرا:

اولاً، خانواده تنها منبع عرضه‌کننده منابع انسانی است؛ ثانیاً، خانواده‌ها می‌توانند با مدیریت بهینه منابع مالی خود و همچنین آموزش به فرزندان نقش چشم‌گیری در تحول اقتصادی و شکوفایی اقتصاد در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی در کشور داشته باشند.

ثالثاً، از آنجا که الگوی مصرف خانواده ارتباط تنگاتنگی با باورها و ارزش‌های اساسی و هنجارهای پذیرفته شده اجتماعی دارد، تغییر آن زمان بر و نیاز به برنامه‌ریزی و کار مداوم فرهنگی در درازمدت را دارد. بر این اساس، تقویت باورهای دینی و بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی در باب مصرف و پس‌انداز می‌تواند نقش مؤثری در اصلاح الگوی مصرف خانوار داشته باشد.

رابعاً، در کوتاه مدت نیز از طریق آسان‌سازی جذب پس‌اندازهای کم خانواده‌ها، و تغییر هر چند ناچیز الگوی مصرف کنونی خانوار، و در نتیجه کاهش آهنگ رشد مصرف کالاها و صرفه‌جویی در هزینه واردات کالاهای مصرفی غیر ضروری، می‌توان انباشت سرمایه در کشور را تسریع نمود و از این طریق امکان افزایش ظرفیت‌های تولیدی را فراهم آورد؛ و گام‌های هر چند کوتاهی را برای رفتن به سمت اقتصاد مقاومتی برداشت.

منابع و مآخذ

۱۰. قرآن کریم.
۱۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

نقش خانواده در اقتصاد مقاومتی * ۷۹

۱۲. ابریشمی، حمید (۱۳۷۵)، اقتصاد ایران، بی‌جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. تفضلی، فریدون (۱۳۶۸)، اقتصاد کلان نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، تهران، نشر نی، سوم.
۱۴. جامی، علیرضا، ایمانی مقدم، حمید رضا و تنها، مجتبی (۱۳۹۱)، راهبردهای افق روشن با رویکردی بر اقتصاد مقاومتی، مشهد، سخن گستر.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق)، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۱۶. حدادپور، کاوه (۱۳۹۱)، «تعاون و نقش آن در توسعه اقتصادی کشور». alborz.mcls.gov.ir/fa/article/116
۱۷. دروگر، خدیجه (۱۳۹۳)، «چالش‌های سبک زندگی در خانواده ناشی از ناآشنایی با حقایق اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ش ۱۰۰.
۱۸. زاکس، ولفگانگ (۱۳۷۷)، نگاهی نوبه مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، مرکز نشر.
۱۹. ریف کین، جرمی و هوارد (۱۳۷۴)، جهان در سراشیبی سقوط، ترجمه محمود بهزاد، تهران، سروش.
۲۰. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش.
۲۱. صادقی شاهدانی، مهدی (۱۳۹۱). <http://www.khorshidonline.com/?itemcode=1692-43-0>
۲۲. عزتی، مرتضی و شفیعی، علی (۱۳۹۱)، «برآورد اثر بازار مالی و سرمایه مذهبی بر انفاق در ایران»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۴۶.
۲۳. علی‌پور، بهزاد؛ پدرام، مهدی و بشیری دزفولی، فاطمه (۱۳۹۰)، «بررسی تأثیر توسعه بازار بورس اوراق بهادار بر رشد اقتصاد ایران»، فصلنامه راهبرد یاس، ش ۲۷.
۲۴. خوش چهره، محمد (۱۳۹۱). <http://www.abna.ir/print.aspx?lang=id&id=332963>
۲۵. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم، پرهیزکار.
۲۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۲)، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، چاپ چهارم.

۲۷. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۱)، سیاست‌های اقتصادی در اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۲۸. قحف، منذر (۱۳۸۴)، «توسعه پایدار در کشورهای اسلامی»، ترجمه سعید و محمد علی فراهانی فرد، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۱۷.
۲۹. قنبری، علی و صادقی، حسین (۱۳۸۶)، تحولات اقتصاد ایران (۱)، تهران، سمت.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۰)، اصول کافی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت).
۳۱. مارشال، آلفرد (۱۳۴۰)، اصول علم اقتصاد، ترجمه حسین مؤتمن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۸) اصلاح الگوی مصرف، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۳. محمودزاده، رضا (۱۳۸۴) سازمان‌های پولی و مالی، مشهد، انتشارات کنکاش دانش.
۳۴. مقام معظم رهبری <http://www.khamenei.ir>
۳۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳۶. موسوی، سید علی (۱۳۹۲)، <http://daneshgahnews.com/fa17729idcontent.htm>
۳۷. میرمعزی، سید حسین (۱۳۸۷)، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۸. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۹) «بررسی تطبیقی اقتصاد تعاونی با اقتصاد سرمایه‌داری و اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، ش ۳۷.
۳۹. وثوقی، منصوره و نیک خلق، علی اکبر (۱۳۷۱)، مبانی جامعه‌شناسی، بی‌جا، انتشارات خردمند چاپ پنجم.
۴۰. سیاح، مونس (۱۳۹۷)، اقتصاد مقاومتی در عرصه خانواده، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان شورای انقلاب فرهنگی، چاپ اول.